



انديشكده راهبردي تبين

**گزارشی از تحلیل**

**انديشكده‌های غربی**

**درباره ناآرامی‌ها در ایران**

مهر ۱۴۰۱

## فهرست

۲	مقدمه
۳	بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها
۶	مؤسسه خاورمیانه
۱۰	مؤسسه واشنگتن
۱۲	شورای روابط خارجی
۱۳	مرکز امنیت نوین آمریکایی
۱۴	مؤسسه هادسون
۱۵	اندیشکده بروکینگز
۱۶	گروه بحران
۱۶	شورای اروپایی روابط خارجی
۱۷	مؤسسه کارنگی
۱۸	شورای آتلانتیک
۱۹	جمع‌بندی

رویداد درگذشت مهسا امینی و حوادث پس از آن، بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های غربی داشت و به صورت طبیعی در سطح اندیشکده‌های آمریکایی و اروپایی نیز به طور قابل توجهی به آن پرداخته شد. بر این اساس اندیشکده‌های فعال در زمینه مسائل غرب آسیا و ایران به بررسی این موضوع پرداخته و تحلیل‌های متنوعی ارائه کردند که این گزارش به بررسی برخی از آنها می‌پردازد. تحلیل اندیشکده‌های بروکینگز، کارنگی، هادسون، گروه بحران، شورای روابط خارجی، شورای اروپایی روابط خارجی، بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، مؤسسه واشنگتن، مؤسسه خاورمیانه، مؤسسه امنیت نوین آمریکا و شورای آتلانتیک در گزارش اخیر مورد اشاره واقع شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد تا زمان نگارش این گزارش، سه اندیشکده «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها»، «مؤسسه واشنگتن» و «مؤسسه خاورمیانه» تمرکز بیشتری بر ناآرامی‌ها در ایران داشته‌اند. ماهیت ناآرامی‌ها در ایران و تفاوت آن با دوره‌های پیشین اعتراضات، نوع واکنش حکومت، شکاف نسلی، تأثیرات بر آینده سیاست داخلی و خارجی نظام و اثرگذاری بر مذاکرات هسته‌ای از محورهای برجسته گزارش و تحلیل اندیشکده‌های غربی بوده است.

در راستای حفظ امانت و آشنایی پژوهشگران، در نوشتار حاضر تلاش شده تا ادبیات تحلیلی اندیشکده‌های غربی تا حد امکان تغییر قابل توجهی نداشته باشد؛ هرچند که سوگیری و جنبه پروپاگاندای آن‌ها علیه نظام جمهوری اسلامی مشهود و برجسته است.

## بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها

این اندیشکده ضدایرانی در اولین واکنش در تاریخ [اول مهر](#)، یادداشتی به قلم سعید قاسمی‌نژاد و بهنام طالب‌لو منتشر نمود که طی آن، حوادث اخیر فرصتی برای تغییر سیاست آمریکا نسبت به ایران و انزوای جمهوری اسلامی قلمداد شده است. نویسندگان مدعی هستند این حوادث نیز نمونه دیگری است که مردم ناراضی ایران، از اصلاحات به سمت انقلاب‌خواهی حرکت می‌کنند. نویسندگان ضمن انتقاد از دولت بایدن بابت صدور روادید برای هیئت ایرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، معتقدند که کاخ سفید باید با تداوم «فشار حداکثری» به حمایت از حقوق بشر در ایران برخیزد. نویسندگان توصیه دارند که آمریکا افراد و نهادهای دخیل در سانسور و نقض حقوق بشر به استناد فرامین اجرایی ۱۳۵۵۳ و ۱۳۸۴۶ تحت تحریم قرار دهد. برای مثال، موارد زیر را پیشنهاد داده‌اند:

➤ تحریم آیت‌الله خامنه‌ای به دلیل نقض حقوق بشر

➤ تحریم وزرای کشور و ارتباطات و همچنین فرماندهان نیروی انتظامی به‌ویژه گشت ارشاد

➤ ممنوعیت ورود مقامات ایرانی و خانواده‌های آنها به آمریکا طبق بند ۷۰۳۱ قانون تخصیصات وزارت خارجه

این اندیشکده به تاریخ [هفتم مهر](#) نیز یادداشتی به قلم «روئل مارک‌گرشت»، افسر سابق سیا در «ریاست عملیات علیه اهداف ایرانی» با عنوان «زنان با سوزاندن حجاب‌هایشان سرنگونی رژیم ایران را می‌خواهند، آیا بایدن نیز این را می‌خواهد؟» منتشر کرد. خلاصه این یادداشت به شرح ذیل است:

در سال ۲۰۰۹، باراک اوباما تا حد زیادی سرکوب مردم عادی ایران توسط حکومت را نادیده گرفت. اکنون، به نظر می‌رسد بایدن مصمم است که راه اوباما را دنبال کند. تاریخ حکومت، باید درسی روشن به سیاستگذاران بدهد: «آیت‌الله‌ها برای هسته‌ای شدن دست از سر هیچ چیز بر نمی‌دارند». روحانیت حاکم و سپاه پاسداران به وضوح نشان می‌دهند که برنامه هسته‌ای برای جاه‌طلبی‌های بزرگ‌تر آنها ضروری است. تحریم‌ها گرچه جلوی حرکت هسته‌ای آنها را نمی‌گیرد، اما می‌تواند حکومت را در داخل تضعیف و درآمد ارزی آن برای مداخله خارجی را محدود کند. اگر واشنگتن از دستیابی ایران به بمب جلوگیری کند، آمریکایی‌ها، اروپایی‌ها، ترک‌ها، عرب‌های سنی

و شیعه و از همه مهم‌تر اسرائیلی‌ها وضعیت بسیار بهتری خواهند داشت. ما باید از معترضان در خیابان سرخ بگیریم: «حکومتی که به راحتی زنان را بکشد، حکومتی نیست که ایالات متحده بتواند با آن تجارت کند».



مارک‌گروست و ری‌تکیه نیز در یادداشت مشترکی در [۱۰ مهر](#)، مدعی می‌شوند که بحران نارضایتی در ایران عمیق‌تر از مسأله حجاب است و مرگ مهسا امینی، صرفاً بهانه‌ای برای آغاز اعتراضات بوده است. به ادعا این دو، هر گاه ایران در داخل فضای سیاسی را مسدود می‌کند، سیاست خارجی را نیز به سوی تنش می‌راند. اما در عین حال نویسندگان امیدی ندارند که دولت بایدن سیاست مذاکره و پیگیری دیپلماتیک پرونده هسته‌ای را رها کند. سعید قاسمی‌نژاد و بهنام طالب‌لو نیز در یادداشت مشترک دیگری در [۱۳ مهر](#)، ده توصیه مشخص به دولت بایدن برای کمک به مخالفان نظام دارند:

(۱) ترک میز مذاکرات هسته‌ای

(۲) حذف یا محکومیت جمهوری اسلامی در سازمان‌های بین‌المللی و فشار بر متحدان برای قطع یا کاهش روابط

(۳) تحریم مقامات حامی سرکوب از جمله رهبری، رئیس‌جمهور، وزیر ارتباطات و فرماندهان نظامی و انتظامی

(۴) جلوگیری از ورود ناقضان حقوق بشر ایرانی و خانواده آنها به ایالات متحده

(۵) افزایش حمایت لفظی از معترضان ایرانی تلاو برجسته‌سازی سرکوب جمهوری اسلامی

(۶) تلاش برای دسترسی مردم ایران به اینترنت بدون سانسور از طریق ماهواره

(۷) توقیف نفت‌کش‌های ایران و ارسال پول حاصل آن برای یک صندوق تأمین اینترنت رایگان برای مردم

ایران

(۸) حمله سایبری به سیستم‌های فرماندهی و کنترل تهران

(۹) ارسال اطلاعات ماهواره‌ای نقل و انتقال نیروهای سرکوب به معترضان برای موفقیت آنها در مبارزات

خیابانی

(۱۰) مقابله با اقدامات تهران در حمله به گروه‌های شبه‌نظامی گرد ایرانی در اقلیم کردستان عراق

در یادداشت دیگری که [۱۴ مهر](#) منتشر شده است، آنتونی رودگیرو و آندره استیکر، دو کارشناس حوزه عدم اشاعه هسته‌ای از اتحادیه اروپا می‌خواهند که با فعال‌سازی مکانیسم ماشه به تشدید تحریم‌ها علیه ایران بپردازد. زیرا به نظر آنان، رفع تحریم‌ها به تشدید سرکوب در داخل خواهد انجامید.



## مؤسسه خاورمیانه

مؤسسه خاورمیانه [اول مهر](#) یادداشتی به قلم الکس وطن خواه با عنوان «اعتراضات حجاب نشان می دهد رژیم اصلاح ناپذیر است»، منتشر کرد. او در این یادداشت می نویسد که مرگ غم انگیز مهسا امینی یادآوری دیگری است از اینکه چگونه حاکمان اسلام گرا در تهران نسبت به خواسته مردم ایران ناشنوا هستند. مخالفت با حجاب اجباری یکی از موارد طولانی فهرست نارضایتی عمومی است. خشونت‌هایی که منجر به مرگ مهسا امینی شد تصادفی نبود. این بخشی از نگرش رهبران ایران نسبت به هرگونه اختلاف سیاسی است. آن‌ها معتقدند که سرکوب خشونت آمیز؛ معترضان را به عقب نشینی سوق می دهد. از نظر آنان، سازش در یک مورد، منجر به موجی از تقاضاها برای تغییر در حوزه های دیگر، از سیاست داخلی تا سیاست خارجی، خواهد شد.



این موسسه [چهارم مهر](#) یادداشت کوتاهی از فرناز سیفی را با عنوان «خیزش زنان ایران: خیلی شخصی و خیلی سیاسی» منتشر کرد که در آن مدعی شده زنان جوان و دختران نوجوانی که در عصر اینترنت و ارتباطات جهانی به بلوغ رسیدند، قبلاً از سوی تحلیل‌گران مُسن‌تر و اغلب مرد، به عنوان نسلی که به زندگی خصوصی کشیده شده‌اند و فاقد آرمان سیاسی هستند، مورد انتقاد بودند. باین‌حال آنها ثابت کردند که فوق‌العاده شجاع و مبارز هستند، زیرا از نظر آن‌ها، امر شخصی، امری سیاسی است. امروز، تقاضای عمیق آن‌ها برای بازپس‌گیری حقوق بدن خود، یک دگرگونی سیاسی نادر بدون رهبر است که هیچ جناح سیاسی امکان مصادره آن را ندارد.

همچنین مؤسسه خاورمیانه [۱۱ مهر](#) یادداشتی به قلم عبدالرسول دیوسالار منتشر کرد که نویسنده در آن متذکر شده که دولت طی یک سال گذشته در بحبوحه شکست سیاست اقتصادی و ادامه انزوای بین‌المللی، مجموعه‌ای از سیاست‌های اجتماعی بحث‌برانگیز مانند «طرح صیانت» و «گشت ارشاد» را پیش برد که در دامن زدن به اعتراض‌ها نقش داشت. مقامات به جای تشخیص ناهمگونی جامعه ایران، تلاش کردند تا کل جمعیت را حول یک ایدئولوژی و شیوه زندگی متحد کنند. در نتیجه، جمهوری اسلامی اکنون با سطحی از شکاف بین دولت و جامعه مواجه است که نفوذ دولت بر مردم را به سرعت کاهش می‌دهد. اکنون اعتراضات خیابانی به طور گسترده، به عنوان تنها راه دستیابی به تغییر دیده می‌شود. رهبران جمهوری اسلامی ترجیح دادند به جای عقب‌نشینی، بر تنور تشدید تنش بدمند. بنابراین چشم‌انداز تغییر تا زمانی که استراتژی فعلی خود را کلید تضمین تسلط بر قدرت بدانند، بسیار محدود خواهد بود.

این اندیشکده در تاریخ [۱۳ مهر](#) نیز یادداشتی را با عنوان «نسل در حال خیزش Z در خط مقدم اعتراضات» به قلم «میثم بیژن» منتشر کرد که طبق آن، گروهی از جوانان ایرانی متولد ۷۵ تا ۸۹ که تنها حدود ۷ درصد از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، به بی‌تفاوتی نسبت به سیاست، مذهب و سنت‌ها مشهورند. آنها نگران قضاوت دیگران نیستند و آشکارا در مورد علایق یا ناپسندهای خود صحبت می‌کنند، در نتیجه این نسل تمایل به عبور از خطوط قرمز جامعه یا حکومت دارد و حاضر نیست قداست دین یا قوانین را بدیهی تلقی کند. امروز جدا از «نارضایتی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی» معمول، جمهوری اسلامی با چهارمین محرک تنش‌ها مواجه است:



«شکاف عمیق نسلی». دولت ایران با ایجاد اختلال در دسترسی معترضان به رسانه‌های اجتماعی و اپلیکیشن‌های پیام‌رسان مانند اینستاگرام و واتساپ و حتی برخی از بازی‌های محبوب آنلاین، به دنبال کاهش توانایی معترضان برای هماهنگی بوده است. با این حال تاکنون نتوانسته است جلوی آن‌ها را بگیرد. علی‌رغم سال‌ها هشدار درباره خطر فزاینده «شکاف نسلی»، تاکنون مقامات ایرانی ترجیح می‌دادند چشمان خود را بر روی این موضوع ببندند. مهم‌تر از همه، دولت از ایجاد تغییرات سیستماتیک یا تصویب هرگونه اصلاحات برای پاسخگویی به نیازهای رو به رشد این نسل خودداری کرده است. با توجه به کنترل دولت بر اقتصاد بیمار کشور و فساد گسترده که سعی کرده است تمام پُست‌های دولتی را با افراد همفکر و محافظه‌کار پر کند، اکثریت بزرگ جوانان ایرانی از استانداردهای دوگانه، شکاف اجتماعی و فساد سیستمی به ستوه آمدند. در نتیجه نسل کنونی، لحظه نارضایتی گسترده اجتماعی را غنیمت شمرد و برای مقابله آشکار با جمهوری اسلامی انتخاب کرد. این نسل هیچ نقطه روشنی در آینده خود نمی‌بیند.

اندیشکده خاورمیانه [۱۴ مهر](#) نیز در مصاحبه‌ای با مسیح علی‌نژاد که نقش مؤثری در تحریک مخالفان حجاب اجباری به کنش‌های ضدحکومتی داشته، به بررسی ابعاد این حرکت پرداخته است. پرسش «مؤسسه خاورمیانه» این بود که آیا این می‌تواند شروع یک جنبش بزرگ‌تر باشد؟ آیا ما به سمت انقلاب در ایران می‌رویم؟

علی‌نژاد معتقد است بارها نسبت به ستمی که به زنان می‌رود هشدار داده بود ولی جهانیان نشنیدند. وی دلیل گستردگی این حرکت را چنین می‌داند که بسیاری از مادران و زنان حس کردند که ممکن بود دختر من جای مهسا امینی کشته می‌شد. به نظر علی‌نژاد تفاوت این جنبش با تجمعات قبلی این است که این بار زنان یکی از نمادهای «دیکتاتوری مذهبی» یعنی حجاب اجباری را از بین برده‌اند و توسط زنان رهبری می‌شود؛ این آغاز یک پایان است. پایان تبعیض تحصیلی و شغلی علیه زنان بی‌حجاب که پس از انقلاب شکل گرفت. به گفته او، حجاب یک نشانه سیاسی برای تسلط جمهوری اسلامی بر بدن زنان و در واقع تسلط سیاسی بر زنان برای نمایش یک کشور اسلامی بوده است.

وی اشاره می‌کند که وقتی جنبش خود را در ۲۰۱۴ راه‌اندازی کرد، حتی از سوی منتقدان حکومت سرزنش شد که حجاب بخشی از فرهنگ ایران است. ولی امروزه همگان خشمگین هستند و می‌خواهند با چیزی که حکومت به نام فرهنگ، تحمیل کرده، مبارزه کنند. علی‌نژاد تنها طالبان را شبیه جمهوری اسلامی در ایران می‌داند که پوشش خاصی را بر زنان تحمیل می‌کند. وی می‌گوید که به جیک سولیوان گفته که خطای او با ما درباره جنبش سبز را تکرار نکند و همچنین خواستار کنار گذاشتن لابی‌های ایران در آمریکا (احتمالاً نایاک) شده است. وی به سولیوان گفته که «مادورو، [آیت‌الله] خامنه‌ای، روسیه و چین با هم هستند و نباید جمهوری اسلامی با مذاکرات هسته‌ای تقویت شود. اکنون زمان فراخوانی سفرای کشورهای دمکراتیک از ایران است زیرا رژیم در موقعیت وضعیفی است و غرب باید از این فرصت استفاده کند. نه اینکه با احیای برجام، آن را تقویت کند. زیرا پول حاصل از برجام به مردم فقیر نرسید بلکه به عراق و ونزوئلا و نصرالله رسید و مؤسسات مذهبی را در ایران تقویت کرد».

به نظر علی‌نژاد، برنامه هسته‌ای، سیاست منطقه‌ای و حقوق بشر باید در کنار هم مورد مذاکره باشد. او به غرب توصیه می‌کند که حساب‌های کاربری دفتر رهبری در فیس‌بوک، اینستاگرام و توییتر را در اعتراض به فیلترینگ اینترنت در ایران، مسدود کنند و در این خصوص به تجربه انسداد حساب ترامپ در توییتر اشاره می‌کند. به ادعای او، جمهوری اسلامی پس از قتل مهسا، به سوی معترضان مسالمت‌جو در خیابان که کودک و نوجوان بوده‌اند، آتش گشوده است. او از غرب می‌خواهد که از این جنبش برای «تغییر رژیم» و دستیابی به یک حکومت دمکرات سکولار حمایت کند.

## مؤسسه واشنگتن

این اندیشکده [ششم مهر](#) یادداشتی از مهدی خلجی را با عنوان «تفاوت تظاهرات ایران با جنبش‌های پیشین» منتشر می‌کند. او معتقد است که ناآرامی‌ها نشان داده بسیاری از جوانان نه تنها از حکومت، بلکه از بازیگران قدیمی مانند روحانیت، اصلاح‌طلبان و سیاستمداران دگراندیش نیز دوری می‌کنند. برخلاف اعتراضات قبلی، منبع اصلی نارضایتی اقتصادی و سیاسی نیست. شعار «زن، زندگی، آزادی» نشان‌دهنده مخالفت عمومی‌تر و عمیق‌تر با کل نظام توتالیتر جمهوری اسلامی است. علاوه بر این، نهضت اصلاً به روحانیت گره نخورده و معترضان عمداً از استفاده از هرگونه نماد و شعار مذهبی پرهیز کردند. بسیاری از معترضان همه روحانیون شیعه را اساس مشروعیت حکومت می‌دانند. خلجی در این یادداشت می‌نویسد: به طور کلی، بیانیه‌های دولت خارجی در حمایت و همدردی با معترضان نسبت به ژست‌های مشابه از سوی نهادهای غیردولتی، کمتر مفید است. وی در عین حال به آمریکا و اروپا توصیه می‌کند برای کمک به این جنبش، از لغو تحریم‌ها خودداری کنند.

مؤسسه واشنگتن همچنین در [هشتم مهر](#) یادداشتی دیگر به قلم مهدی خلجی با عنوان «سلبریتی‌ها، روحانیت و جانشینی: برگ برنده‌ها در اعتراضات ایران» منتشر کرد که در آن نویسنده مدعی شده سلبریتی‌ها تنها طبقه‌ای هستند که ممکن است توده‌ها را بسیج کنند. وی می‌گوید که روحانیون صرف‌نظر از موضع‌شان نسبت به ولایت فقیه احتمالاً بقای جمهوری اسلامی را تنها راه حفظ امتیازات سیاسی و اقتصادی خود می‌دانند. او همچنین با اشاره به شایعات درباره سلامتی رهبری، مدعی می‌شود که روند جانشینی ظاهراً مستلزم صحنه داخلی آرام‌تر و عاری از ناآرامی‌های بزرگ است. پس حکومت ممکن است به سازش صریح یا ضمنی با معترضان دست یابد. از سوی دیگر، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ممکن است گمان کند که یک جنبش بدون رهبر، با ترکیبی از فرسودگی داخلی و ارباب شدید محو می‌شود. با این حال، اگر جنبش به شدت گسترش یابد، سپاه پاسداران ممکن است تصمیم بگیرد برای پایان قطعی اعتراضات به خشونت نامحدود نیاز است.

این اندیشکده در تاریخ [۱۴ مهر](#) در یادداشتی با عنوان «آخرین فصل دیپلماسی گروگان‌گیری ایران» به قلم «هنری روم» به بررسی دلایل آزاد کردن باقر نمازی پرداخته و آن را به اعتراضات و ناآرامی‌ها در ایران ارتباط می‌دهد.



تحلیل او این است که به نظر می‌رسد تهران مشتاق است توجهات را از ناآرامی در سراسر کشور منحرف کند و ظاهری انعطاف‌پذیر به مخاطبان خارجی یا داخلی ارائه بدهد.

مؤسسه واشنگتن [۱۵ مهر](#) نیز یادداشتی دیگر با عنوان «تظاهرات برای مهسا امینی: یک نقطه عطف در ایران» نوشته «زیربان روزلتی» منتشر کرد که نویسنده در آن مدعی شده پس از بهار عربی در سال ۲۰۱۱ که در جوامع اهل سنت بود، این اعتراضات می‌تواند نشان‌دهنده موج دیگری از «بهار شیعه» در ایران باشد که طی چند سال گذشته، عراق و لبنان را فراگرفته است. در عین حال، اعتراض‌ها ادامه‌ای در سلسله اعتراض‌های داخلی در ایران است که در دو دهه گذشته ظهور کرده‌اند، اما طی پنج سال گذشته به‌طور چشمگیری افزایش یافته‌اند. از سوی دیگر، اعتراض‌ها از سه دسته سیاسی، اقتصادی و صنفی متمایز است. امروز تحمیل سبک زندگی مذهبی با سبک زندگی و اعتقادات نسل جدید همخوانی ندارد. او مدعی شده بحران اقتصادی، اعتراضات عمومی و درگیری‌های داخلی در طبقه حاکمه یادآور پایان اتحاد جماهیر شوروی است. البته مشخص نیست که موج جدید اعتراض، سیستم سیاسی را از طریق انقلاب تغییر دهد. تهران هنوز ارتش، سپاه و پلیس را برای سرکوب معترضان در اختیار دارد. اما آشکار است که تغییر آغاز شده است.

## شورای روابط خارجی

شورای روابط خارجی در نخستین واکنش خود [اول مهر](#) تحلیلی از «ری تکیه» در رابطه با اهمیت اعتراضات و رویکرد نظام در مواجهه با آن منتشر کرد. به نظر او علی‌رغم تظاهرات گسترده، سخنرانی رئیس‌جمهور در مجمع عمومی سازمان ملل نشان می‌دهد که نظام مواضع خود را در قبال معترضان و غرب، نرم نخواهد کرد. حکومت با دستگیری معترضان، انسداد پلتفرم‌های پیام‌رسان و برگزاری تظاهرات حامیانش، به سرعت سعی در مهار تظاهرات داشته است.



این اندیشکده [چهارم مهر](#) نیز یادداشتی از ری تکیه و «روئل مارک‌گرشت» را نشر می‌دهد. به ادعای این یادداشت، جمهوری اسلامی مانند شوروی، ممکن است در آستانه فروپاشی قرار داشته باشد. به نظر نویسندگان، گرچه حکومت در بن‌بست قرار دارد ولی خودآگاهی نسبت به نقاط ضعف حکومت دینی، در واقع یکی از نقاط قوت نظام است. به نظر این دو، آمریکا از ابتدای انقلاب از ترس تشدید تنش، «رفتار بد ایران» را تحمل کرده است. اما بایدن و مشاورانش متأثر از این حوادث ممکن است بپذیرند که امیدی به تغییر رفتار ایران نیست. این مسأله نیز راهی به پایان مذاکرات و سازگاری آمریکا با قدرت هسته‌ای حکومت دینی خواهد گشود.

شورای روابط خارجی [هشتم مهر](#) نیز در یادداشتی از «کارولین کپ» به استناد گزارش یک گروه حقوق بشری، مدعی مرگ حداقل ۷۶ نفر و همچنین مجروحیت و بازداشت صدها نفر شده است.

### مرکز امنیت نوین آمریکایی

مرکز امنیت نوین آمریکایی [چهارم مهر](#) یادداشتی از «رابرت کاپلان» کارشناس آمریکایی روابط بین‌الملل، با عنوان «روسیه، ایران و خطرات پساخودکامگی» را منتشر کرد که در آن مدعی فروپاشی ارتش روسیه و تحقیر حکومت ایران شده است. به ادعای او بی‌اعتباری حکومت ایران در میان مردم، با تظاهرات گسترده، به نمایش گذاشته و کورسویی از افول نهایی این دولت نمایان شده است. نویسنده معتقد است که مرگ مهسا امینی، صرفاً بهانه این خشم است ولی ریشه اعتراضات، چندین دهه سرکوب، فساد و اقتصاد ویران شده است.



این مرکز [هفتم مهر](#) یادداشتی به قلم «جاناتان لرد» به عنوان «ایران درگیر اعتراضات است، مذاکرات هسته‌ای متوقف شده است، بایدن باید خطرات را برجسته کند» منتشر کرد که در آن نویسنده بیان می‌کند که پیش‌بینی زمان و چگونگی سقوط حکومت انقلابی ایران، کاری پرخطر است. اما ساختار امنیتی حاکمیت به راحتی مخالفان داخلی را سرکوب می‌کند. واشنگتن نباید فراموش کند که ممانعت از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، ستون

اصلی سیاست ایالات متحده درباره ایران و یک اصل حیاتی برای ثبات خاورمیانه است. اگر ایران از درون یا از بیرون احساس خطر کند، در تعقیب بمب خواهد رفت. دولت بایدن برای بازگرداندن توجهات به موضوع هسته‌ای نباید زمان را تلف کند و باید به ایران یادآوری کند که بازگشت به برجام نه تنها به نفع آمریکا، بلکه به نفع جمهوری اسلامی نیز هست. اعضای کنگره نیز باید به این فکر کنند که وقتی بایدن از آنها بخواهد به مجوز نظامی علیه برنامه هسته‌ای ایران رأی بدهند، زندگی آن‌ها چقدر بدتر می‌شود.

### مؤسسه هادسون

مؤسسه هادسون با برگزاری یک نشست مجازی با عنوان «ایران: اعتراض یا انقلاب» در [۱۲ مهر](#) با حضور «مایکل دوران» عضو ارشد این موسسه و مدیر مرکز صلح و امنیت در خاورمیانه، مریم معمارصادقی، عضو ارشد «موسسه مک دونالد- لوریر» و بنیان‌گذار و مدیر «انجمن سیروس» و الکس وطن‌خواه، عضو ارشد و مدیر برنامه ایران در «مؤسسه خاورمیانه» به بررسی این حوادث پرداخت. در معرفی این نشست قبل از برگزاری آن نوشته شد:

تظاهرات اولیه علیه حجاب به بدترین دوره ناآرامی داخلی در تاریخ جمهوری اسلامی تبدیل شد. مقامات ارشد دولت بایدن بیانیه همبستگی خود را با مردم ایران صادر کردند. اما کاخ سفید همچنین تمایل خود را برای پیشبرد



توافق هسته‌ای نشان داد، توافقی که تحریم را لغو و صدها میلیارد دلار را به خزانه حکومت هدایت می‌کند. آیا این آغاز یک انقلاب در ایران است یا فقط طوفان ناآرامی دیگری که رژیم از پس آن برخوردار خواهد آمد؟ در این نشست مجازی مریم معمارصادقی بر مشروعیت‌زدایی از نظام جمهوری اسلامی به عنوان نتیجه بلندمدت اعتراضات تأکید داشت. بود در حالی که که الکس وطن‌خواه بر تعمیق روند خشم نسل جوان از حکومت و ناامیدی از اصلاح سیاست‌ها تأکید می‌کند.

### اندیشکده بروکینگز

اندیشکده بروکینگز در رابطه با اعتراضات در ایران [۳۱ شهریور](#) با سوزان مالونی کارشناس برجسته مسائل ایران و معاون رئیس این اندیشکده گفتگو می‌کند که در آن محورهایی مانند تاثیر این اعتراضات بر ثبات نظام جمهوری اسلامی، وضعیت اقتصادی و چشم‌انداز احیای برجام مورد بحث قرار می‌گیرد.





از نظر مالونی فوت مهسا امینی، جرقه‌ای بود تا موج عظیمی از خشم و ناامیدی که طی سال‌های اخیر به دلیل نارضایتی از قوانین مذهبی و سایر عناصر حاکمیت ایدئولوژیک در ایران و هم‌چنین به دلیل ناامیدی از سرعت و ماهیت اصلاحات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی انباشته شده بود، به جریان بیفتد. بر اساس نظرات او، دور اخیر اعتراضات نقطه اوج بی‌ثباتی داخلی است که در ۱۲ سال اخیر وجود داشته است تلقی می‌کند.

## گروه بحران

این اندیشکده آمریکایی که رابرت مالی، مسئول سابق آن، اکنون نماینده ویژه دولت آمریکا در امور ایران است، در [اول مهر](#) یادداشتی با عنوان «رهبران ایران باید کارزار سرکوب را کنار بگذارند» منتشر می‌کند. طبق این یادداشت، اگر تهران به جای سراب کنترل اجتماعی، خواهان ثبات واقعی است، باید از توسل به قوای قهریه دست بردارد. با شدیدتر شدن تظاهرات، مقامات متوجه خواهند شد که دستورالعمل آشنای تاکتیک‌های سرکوب‌گرانه آنها که برای ایجاد توهم امنیت و ثبات طراحی شده، نه امنیت و نه ثبات را فراهم نمی‌کند. اما نویسندگان علی‌رغم این توصیه‌ها، اذغان می‌کنند که مواضع فرماندهان سپاه پاسداران مبنی بر برخورد «قاطعانه» و لفاظی‌های رسانه‌های تندرو نشان‌دهنده «حوادث تاریک‌تری» در روزهای آینده است. نویسندگان مدعی هستند که رهبران ایران با توقف اصلاحات طی سال‌های اخیر، کشور را به یک بشکه باروت تبدیل کرده‌اند. آنها ممکن است به این نتیجه برسند که توسل به خشونت، این دور از اعتراض را خاموش می‌کند و تا بن‌بست بعدی بین دولت و جامعه، زمان بخرند. اما این اقدام با گذشت زمان، ایران را به طور فزاینده‌ای در برابر درگیری‌های داخلی آسیب‌پذیر خواهد کرد؛ درگیرهایی که برخی از کشورها در منطقه مانند سوریه و یمن را به یک افول مرگبار سوق داد.

## شورای اروپایی روابط خارجی

شورای اروپایی روابط خارجی در [هشتم مهر](#) یادداشتی با عنوان «نسل‌نه: قیام ایران و این‌که غرب چگونه باید پاسخ دهد» به قلم «الی گرانمایه» منتشر کرده است که در این یادداشت آمده که در سومین هفته اعتراضات با تشدید نگرانی در مورد استفاده دولت ایران از خشونت، غرب برای توقف دیپلماسی با ایران، تحت فشار قرار دارد. جامعه ایران احتمالاً دوقطبی‌تر و بیشتر مستعد قیام‌های منظم می‌شود. نویسندگان معتقد است که این امر حصول

اطمینان از مهار برنامه هسته‌ای ایران از طریق توافق را مهم‌تر می‌سازد، نه اینکه اجازه دهیم به کره شمالی دیگری تبدیل شود و بمب‌های هسته‌ای و انزوا، پوششی برای سرکوب در داخل ایجاد کند. اگر غرب از مذاکره کناره بگیرد، بعید به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی سقوط کند. کنار گذاشتن دیپلماسی تنها به نفع نخبگان تندروی کشور خواهد بود. آنها مقصر مشکلات اقتصادی کشور را به گردن غرب می‌اندازند، در حالی که از انزوای خود برای تضعیف جامعه مدنی ایران استفاده می‌کنند.

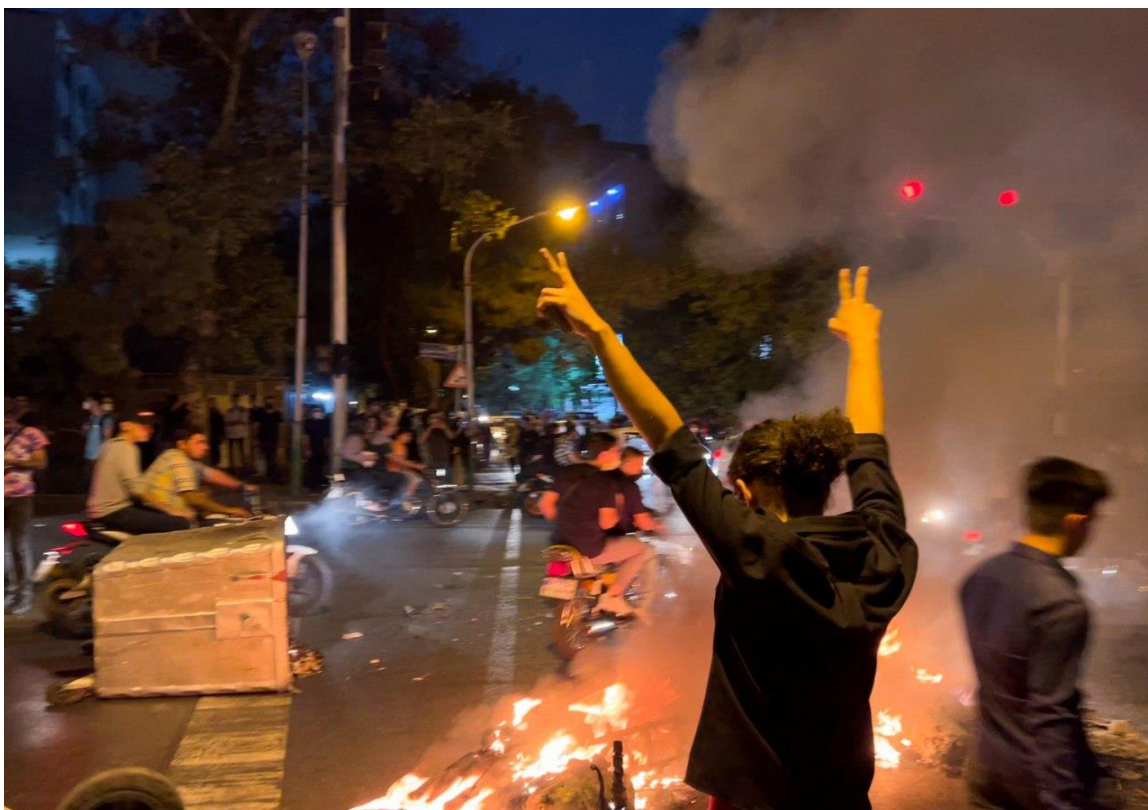
### مؤسسه کارنگی

این اندیشکده در یادداشتی به قلم کورلنیوس آدبار، کارشناس حوزه سیاست خارجی و امنیتی در حوزه خاورمیانه در [۱۹ مهر](#) با عنوان «آیا اعتراضات به سرنگونی منجر می‌شود» به بیان این نکته می‌پردازد که برای موفقیت اعتراضات، مخالفان به تداوم تظاهرات، رهبر، شبکه و دستور کار سیاسی نیاز دارند. او معتقد است تصاویر امروز ایران نباید غرب را گمراه کند. زیرا تجربه‌های شکست‌خورده «تغییر رژیم» در ونزوئلا، بلاروس و سوریه پیش چشم آنهاست. حاکمان کنونی ایران نیز به دلیل نگرانی از تبعات و پیامدهای براندازی، دلیلی برای عقب‌نشینی ندارند. زیرا از تجربه فروپاشی شوروی عبرت گرفته‌اند. علاوه بر اینکه زمینه بروز ناآرامی‌های مسلحانه در مناطق قومی نیز وجود دارد.



## شورای آتلانتیک

اندیشکده «شورای آتلانتیک» در یادداشتی به قلم سینا عضدی در [هشتم مهر](#) به بیان این پرسش پرداخته که «آیا این اعتراضات، یک انقلاب است؟». به نظر نویسنده، زنان این بار برخلاف نهضت تنباکو، مشروطه و انقلاب اسلامی، در مرکز این جنبش قرار دارند. علاوه بر اینکه سلبریتی‌های شاخص نیز با حمایت از این جنبش به آن وجهی متمایز دادند. اما با وجود اعتراضات گسترده و حمایت بین‌المللی، باید در پیش‌بینی نتیجه محتاط بود. به نظر نویسنده، هنوز نمی‌توان گفت که معترضان درصدد «تصرف دولت» و براندازی هستند. علاوه بر اینکه نیروهای مسلح نیز منسجم و قوی ظاهر شدند و حتی فعلاً نیازی به حضور سپاه نبوده است. هم‌چنین فقدان آلترناتیو سیاسی نیز دلیل دیگری است که از بروز انقلاب جلوگیری کرده است. در غیاب یک رهبر قوی مورد قبول اکثریت گروه‌های مخالف، بعید است که تظاهرات کنونی منجر به تغییر اساسی شود. محتمل‌ترین سناریو این است که «رژیم» برای آرام کردن اوضاع، اصلاحات جزئی انجام دهد و اعتراضات به مرور زمان فروکش کند.



### جمع‌بندی

ارزیابی آماری این یادداشت‌ها نشان می‌دهد «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» و «مؤسسه خاورمیانه» هر یک با ۵ مورد، بیشترین تولید مطلب را از ابتدای حوادث تا ۲۵ مهر ۱۴۰۱ داشته‌اند. در همین بازه، «مؤسسه واشنگتن» با ۴ مورد، «شورای روابط خارجی» با ۳ مورد و «مرکز امنیت نوین آمریکایی» با ۲ مورد در رتبه‌های بعدی هستند. «گروه بحران»، «کارنگی»، «بروکینگز»، «هادسون»، «شورای روابط خارجی اروپایی» و «شورای آتلانتیک» هر کدام یک مطلب تولید کرده‌اند.

از ۲۵ یادداشت منتشرشده، تمامی یادداشت‌های «مؤسسه خاورمیانه»، ۳ یادداشت «مؤسسه واشنگتن»، ۲ یادداشت «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» و همچنین یادداشت‌های «شورای آتلانتیک» و «شورای روابط خارجی

اروپایی» توسط ایرانیان خارج از کشور نوشته شده است. این نکته نشان‌گر امکان تأثیرگذاری این افراد بر موضع و ارزیابی این اندیشکده‌ها و بالتبع دولت‌های غربی در خصوص نوع واکنش به این حوادث است.

رئوس مطالب منتشرشده از سوی این اندیشکده‌ها را می‌توان در این چند محور خلاصه کرد:

❖ تحلیل غالب اندیشکده‌های غربی این است که شکاف نسلی و بی‌توجهی حکومت به تأمین خواسته‌های

نسل جدید، علت اصلی بروز این حوادث است. اما انباشت نارضایتی‌های سیاسی و اقتصادی در دهه

گذشته، نقشی غیرقابل‌انکار در فوران این موج و تداوم آن داشته است.

❖ آن‌ها معتقدند نه‌تنها بازیگران داخلی اعم از اصلاح‌طلبان، تحول‌خواهان و روشنفکران بلکه حتی گروه‌های

اپوزیسیون خارج از کشور نیز نقشی در رهبری و سازماندهی این حرکت ندارند.

❖ به نظر نویسندگان این گزارش‌ها و یادداشت‌ها، این حوادث به براندازی و «تغییر ساختار» نمی‌انجامد ولی

زمینه‌های تداوم ناآرامی و شورش‌های خیابانی را بیش از پیش فراهم می‌کند.

❖ در خصوص رویکرد آمریکا در قبال این اعتراضات دو دیدگاه وجود دارد. یک دیدگاه تاکید می‌کند که

آمریکا برای کمک به مخالفان باید به فشارهای اقتصادی بر ایران ادامه داده و مذاکرات هسته‌ای را رها

کند. دیدگاه دیگر معتقد است کناره‌گیری آمریکا از مذاکرات و تداوم تحریم‌ها، تأثیری بر نوع مواجهه

نظام با مخالفان نداشته و برعکس موجب تضعیف جامعه مدنی خواهد شد.